



آنکه کان ظلوما جهولا اینست احدتده اجبای الهی متنبه باین الطاف واحسان و جده  
اینموهبت بیپایان اذن حضور خواسته بودی اگر نهایت روح و ریجان ممکن  
و در حضور و رجوع راحت دل و جان هیتا مازونی و آلا تا آنکه اسباب فراهم آید

و علیک البهائ الاهی ع ع سبانه

شیراز جناب عطاء نظام محمد حسن میرزا علیه بهاء الله الاهی

۲۸۴

هواته

ای عطاء نظام حمد کن خدار که عطاء عزیز علام گردیدی و شهید بقا چشیدی صبح  
۴ دی دیدی اشراق انوار بجا ملاحظه نمودی خوارشش بودی روشن شدی مددش  
بودی هوشیار گردیدی محمود بودی پر جوش و خروش شدی این از مواهب عظیمه  
حضرت پروردگار است شکرنا شکرنا و علیک البهائ الاهی ع ع سبانه

۲۸۵

طهران بواسطه جناب حاجی میرزا عبدالله

جناب فضل الله شیراز جناب عبد الحسین تیا جناب محمد علی قمی جناب لطف الله برآز  
جناب سید ابراهیم تیا جناب عزیز الله شیراز جناب میرزا حسین بروجرده علیه بهاء الله الاهی  
ای ثباتان برپایان نامه مبارک یاران بانهایت رقت تلاوت

هواته

خدا کا تب هر وقتها مبارک

حدا کا تب هر وقتها مبارک

گردید و بدرگاه حضرت احدیت تبتل و تضرع شد که ای پروردگار این یاران صادق  
 از امتحان فارغ کن و این بندگان لائق ابعایت خویش فائق نما هر یک را حیل رانج  
 فرما و طود باذن کن تاج عبودیت بر سر نه و سلطنت ابدیه احسان کن و سعادت  
 معیشت بخش و عزت ابدیه ارزان فرما توئی دهنده و بخشنده و مهربان و توئی آمرزنده  
 و پذیرنده و عزیز و مستعان ع ع ساد

بسم الله  
 لا حول

جناب عزیزانہ خان و جناب میرزا فضل اللہ خان و جناب ہمد و بہائی علیہم بہاء اللہ  
 ہوا اللہ

۳۸۹  
 ای یاران روحانی مکاتیبی کہ پنجاب منشا دی من ادراک تھا، رہتہ  
 و بعد البہاء، مرقوم نموده بودید ملاحظہ کردید از عدم مجال باختصار جواب  
 مرقوم میشود کہ اگر چنانچہ اسباب سفر ہمتیا من استطاع الیہ سبیلا کہ در کمال  
 راحت و خوشی و سرت با رض مقصود مشرف شوید و بروح و ریجان حیرت  
 نمایند و پیشات پردازید و نشر نجات اللہ در نصیحتات  
 کنید باذن حضور و علیکم بہاء اللہ ع ع ساد

ظنکاتب ہر و ہمتیا مبارک

بواسطه آقا محمد حسن بلوری

جناب آقا میرزا فضل الله خان علیه بهاء الله الیه

۲۸۷

هوانه

ای بنده حق نامه شما ملاحظه گردید و متطلب معلوم شد ولی عبد البهائیه باید خیر شما خواهد  
 نه میل شما خیر شما در اینست که در شیراز و یا طهران بقدر امکان بکار و عملی پردازید و در ضمن  
 در لسان انگلیسی نهایت مهارت پیدا کنی و اگر ممکن در دستجات و انگلیسیها ولو  
 ماموریت جزئی باشد قناعت نمائید تا سازا چنانکه باید و شاید تحصیل نمائید بعد به  
 مسافرت پردازید ارض مقصود دائمًا متقلب است ناقصان هر روز فساد می نمایند ابداً  
 سکون و قرار نه تا انسان تحصیل لسان نماید و یا آنکه بخدمت پردازد در آنجا بهتر خدمت او  
 پرداخت نیت خدمت بنمائید اسباب فراهم آید و تأیید میرسد مطمئن باش  
 و علیک البهائیه ع ع سقانه

۲۸۸

هوانه

سرستان جناب استاد حسن کوزه گر علیه بهاء الله الیه

ای منجذب روی بها هر چند خانه بتلان دادی و کاشانه بتاراج

بنو الاهی

نظرات مبرورینا مبارک

خط مبارک

لانہات بروفتند و آشیانہات بسوختند غم مخور و آزرده شو تو مرغ آشیانہ تو جیدی لانه

در شاخ رسدہ غمتی داری و بیروسامان در سبیل رحمانی خانہ و کاشانہ در جواریزدان خواہی

این تالان نبود چہ کہ خانہ را معمور و آبادان کرد تاراج نبود معراج خواہ گشت چہ کہ خنیف خواہی شد

لطیف خواہی شد در اوج انقطاع عروج خواہی نمود مالی کہ در راه حق بتالان و تاراج رفت گنج

روان خواہد شد و کثر آسمان خواہ گردید ع ع سماں

جناب زائر اقا غلامحسینخان سروستانی

زیارت من استشهد فی سبیل اللہ جناب کربلایی حسنخان و کربلایی صادق اخوی کربلایی حسنخان علیہما السلام

الابھی

ہوائہ

۲۸۹

التحیہ و الشانہ من اللہ الاعلیٰ علیک یا من استشهد فی سبیل اللہ و انجذب بتفحات اللہ و صدق

بکلمات اللہ و آوی الی الرکن الشدید و المحسن المحسن و الکف المنسیع و اتم فی سبیل اللہ کمال

مشقہ و بلاء و شامۃ الاعداء و شائم الرنما، و ماخذۃ سلوۃ الظالمین و لا خوفہ صفوف المدین

بل دعا الی سبیل ربہ تحت سلاسل المشرکین و نطق باحق فی محافل المنکرین اشہد بانک اتمت حجۃ

وحدثت بالنعمة و قومت الحجۃ و اجتبت الثقۃ و ما ومنت فی التہبوت و الاستقامۃ

و استهدف

خط کا مرتبہ مبارک

واستدقت السهام والاسنة ولم تفر في التحديث بالرحمة قد قاموا عليك اولوا الشقاق و  
 اهل الشقاق ولم يتركوا اذى الا اجره على حبك العزيز وخذلوك العذاب الشديد في هذا السبيل واودعوك  
 في السجن العظيم و ضربوك بالسياط بحبك ربك الوحيد الفريد طوبى لك من هذا الفضل العظيم  
 لك من هذا الجود المبين اسئل الله ان يجعل مشامى معطرًا بالمسك الذي الذائع من مرقدك المنير  
 و عليك البهائم الابهي و على اخيك الذي نبذ الهوى و اخذ بالتقوى و آمن بربك الاعلى و انجذب الى الملكوت  
 الابهي و باخل بذيال الروح و ما خوله الله من متاع الدنيا و عليه البهائم و عليه الثناء و عليه التحية في  
 الكبري و عليكما البهائم الابهي ع ع سائبة

بواسطة جناب آقا ميرزا اسد الله

جناب آقا مرتضای سروستانی علیه بهائم الله الابهي

هو الله

۲۹۱

ای ثابت برپیمان احمد ته نفحات رحمن در آتش است وصیت ملکوت ابی در آشتی است  
 ماندگشت پر برکت در آرزو یارند و یاران مانند اوراق و از لار شجره مبارکه در نشو و نما از جمله سروستان  
 چنانکه مرقوم نموده اید در باره آن نفوس مومنه جدیده از محله ترنگ و اغتوا که در آرزو یارند بدو نگاه  
 جمال مبارک بجزو نیاز نمایم آنا را فیض یمینها نواهم فضل یمیناں جویم عون و حمایت طلبیم خود

خطه تب مرتضای مبارک



و موہبت خواہم بشارت ایند عاراب ایشان برسانید بامہ اللہ المہترہ ضلع و دو صبتہ کرمہ کلشاد عطیہ

تخت بہتہ البلاغدارید انشاء اللہ مانند پدر و مادر آن دو دختر نیز منجذب محبت اللہ باشند و مشعل

بارہدایت اللہ بجناب قایم رزاق و جناب امرا اللہ و جناب سکر اللہ و جناب ذکر اللہ و بدیع اللہ بہت

اشتیاق تخت ابدع ابی بلاغدارید و علیک لباء الابی ع ع منادہ

جناب حاجی محمد باقر از قبل من تخت مشتاقانہ و کبیر محترمانہ برسان ع ع

سروستان جناب میر کریم زائر علیہ بہاء اللہ الابی

او اللہ

۲۹۱

ایا بت بر پیمان نامہ شمار سید و از مضمون واضح و پدید گردید کہ احمد تہ یاران سروستان در بوسان محبت اللہ

سرور و نند و در گلستان معرفہ اللہ گل و ریاحین در نہایت روح و ریحان قدمی بت دارند و قلبی رنج

و کلماتی فی الخقیقہ یاران آند یار مستفیض از انوار الطافد و مستنیر از نصباح یوقد و یضی من شجرہ مبارک

فی کل الدیار این بعد نہایت سرور از آن خرب مشکور دارد و در شام و کبورد بر گاہ رب غفور و عزیزی نماید و آن

یاران را نجات و فلاح و دستگیری خواهد امید چنانست کہ سروستان لانه و آشیانہ طیور آسمانی گردد

و چمنستان اهل حقیقت شود و لیس از علی فضل ربی الرحمن سعید جناب میر تاج از خدا خواہم کہ تاج

موہبت بر سرنند و امہ اللہ گوہر نور محبت اللہ در نہایت تمثلاً گردد و میر محمد اسمعیل آرزوی قربان گاہ

عشق

ظلمات ہر و ہوا مبارک

عشق نماید و میر عبد الغفار از ضرب برابر محسوب شود و میر عبد الرسول در آستان مقدس مقبول گردد  
 و میر محمد هدی آیت هدی شود و کر بلائی شکر آینه بشکر آینه خداوند یگانه پردازد که بخد مت امر بوقت  
 و ملا علی مظفر لطف خفی و جلی گردد و جناب قاضی رحلی زائر در میدان عرفان صفا شود و اقا رضا  
 برضای حق توفیق گردد و اقا غلام حسین خان مرحوم در دریا رحمت پروردگار مستغرق شود و برورد  
 مورد وارد و بر رفد فرود فائز و از کوشش عفو سیراب و در عتبه رتب الارباب منقبوط اولی الایا  
 گردد و جناب درویش ابن محمد علی شهید ابن شهید را از قبل من نهایت تبرک مجری دارید از انکلا  
 مرتبی حقیقی جمال مبارک رجا مینمایم که خلعتی بدیع عطا فرماید تا مردم خلعتی جدید گردد و علیک  
 البهآء الابهی ع ع سائده

شیراز سرستان جناب اقا محمود ابن اقا شکر آینه علیه بهاء الله الابهی

انوانه

۲۹۴

حکایتی در وصف ایشان

یبنده حق نامه شمار سید و بدرگاه حضرت احدیت تبتل و تضرع گردید و طلب آمرزش  
 بجهت پر و مادر آن بنده الهی شد ای پروردگار بنده درگاه محمود آرزو خفران پر و مادر کنند  
 و در نهایت شرمساری و خجالت رجای آن دارد که ابوبن غریب بحر رحمت گردند و بر رفیق  
 موافقت مؤید شوند پروردگار عبد البهائیز این رجا نماید پس حاجت دودلی را در ملکوت



جلیل قبول فرما ایمنه حق بجانب درویش ابن شهید ابن شهید نهایت نوازش از قبل من  
بنا که دعا نمایم و اورا رحمت ارزحمات و شفقت دیون خواهم بامنه الله ضلع محترمه تحت

ابدع ابی ابلانغ نما و علیک البهآ، الابی ع ع نسا

بواسطه جناب بشیر الی

جناب حاجی خان و جناب خان باسروستانی و جناب علیجان و نورجان و بدیع الله و قدس  
خانم و ملا محمد علی معلم و مرتضی و ستاره خانم و آسیه خانم و شامل خانم و عطاء  
و حاجی آقا و کربلای امام قلی علیم و علین ببا، الله الابی

هو الله

۲۹۳

ای یاران و آما، رحمن مستون محبت الی حاجی خان و خان بابا نامه نگاشتند و ذکر

جمع شمار داشتند تا بید و توفیق طلبیدند و بر تحریر نامه بنام نامی کل رجا و توفیق نمودند

عبدالبهآ، با وجود مشاغل نامناهی مجبور بر آنست که جمیع ابیک نامه یاد و ذکر نماید و البته یارا

مغذور میدارند زیرا مجبوریم مقصود اینست که باید از جمیع افکار و اطوار و آراء در کنار

بود و فکر دل و جان را محصور در خدمت حضرت پروردگار کرد زیرا آن دلبر آفاق نه چنان

جلوه نموده که انسانی با وجود انباه و اشتیاق آشفته و سودا نگردد اگر نفسی تجاہل کند یا

تجاهل

ظنکاتب میرزا امضا مبارک

تجابه نماید دلیل مردگی و پرمردگی و افسردگیست چشم بینا البته مقنون آفتاب گردد  
 و گوش شنوایقین است که متلذذ از نعمات علاء اعلیٰ شود ششیه جیاب البته آب گوارا  
 جوید و علیل دانا لا بد طبیب حاذق توانا خواهد امیدوارم که کل مؤید و موافق باین بخت  
 عظمی گردید و علیکم وعلیکم البهآء الا بهی ع ع سائمه

بواسطه جناب بشیر الهی

سروستان جناب حاجی محمد علی ابن استاد حسن فخر

۲۹۴

هواته

خط کتابت در تهران، مبارک

اثبات برپیمان نامه نیکه بجناب بشیر تحریر نموده بودی ملاحظه گردید و معلوم شد که جواب نامه  
 شما که پندی پیش ارسال شده بود از ناامنی راه از میان رفته ضرری ندارد تا قوت تحریر موجود و  
 بینه تقصیر نخواهد شد و تالی خواهد گشت در جمیع احیان بیاد یار انیم و مشتاق جمال دوستان  
 اگر فتوری در مکاتبه حاصل شود این از عدم فرصت است ملاحظه فرمائید مگر زبان و کاتبان باید  
 با جمیع اجای جهان را فردا فردا مکاتبه و خابره نماید البته شیربان و پیل مان نیز از عهده بر نیاید  
 تا چه رسد این لسان و بان فانسفوا یا اهل الانصاف عمل و نسل زنبور منذور بفروشید  
 دشمن بشتر ادبید بیت سکوان در بر صورت مال کبر است خواه از مهیت چیز دیگر باقی ماند

یا نماند و ولد بکبر از سایر اموال نیز سهم خویش میبرد. هذا ما فرضه الله ولی خود مورث  
 قبل از وفات مختار است در تصرف اموال که بهر قسم خواهد مجری دارد و همچنین ولد بکبر باید  
 خود ملاحظه وراثت دیگر را الله بنماید و انصاف دهد و فی الحقیقه هر آنکه بقصد قاطع الهی باید  
 وصیت نامه بنماید تا بموجب آن بعد از او مجری شود. هذا هو الحق المبین و اگر لایحه  
 اطاعت از مکرر یعنی وصیت نماید باید چنین مجری داشت ع ع نهاده

سروستان جناب حاجی محمد علی ابن استاد حسن علیه بآ، الله الای

هو الله

۲۹۵

ای دوست عزیز من نامه شمار بنهایت دقت قرائت نمودم و از قسم شما نهایت بشاشت  
 حاصل گشت. لہذا جواب مرقوم میگردد هر چند در این جهان فانی شادمانی نیافتی و کامرانی نمودی  
 هیچ صبحی خفته و خندان نبودی و هیچ شامی با سرو سامان نگشتی ولی خبر نداری که همه زتقا گرفتار  
 این بلا بگمان مفرما که در این دنیا نفسی نفس راحتی کشید و یادمی شبی اردیبا رحمت یافت  
 حوادث زمان و وقایع امکان همواره در کین است و صیاد تقدیر و قضا گوشه نشین با وجود  
 این چگونه انسانی غریب آسایش و رحمت گردد علی قول شاعر پارسی نوک خاری نیست  
 که خون شهیدان سرخ نیست آفتی بود آن شکار افکن که ز این صحرای گذشت و شاعر  
 ترک

ظکاتب مروا مضافاً بمبار

ترک گفته یو قدر سپر بکنسد فیروز فامده ذرات جمله تیر قنایه نشاند در شاعر عرب گفته  
 عش نایاً فاحب راحته غماً فاوله سقم و آنزه قتل باری بحدتد یاران تسلی عظیم دارند و تشفی  
 صدور در موارد بلا، عظیم زیرا از راحت جان و کام دل در اینجا منقطعند بجان گیر پی<sup>راه</sup>  
 در مورد بلا چون الطاف جمال ہی بخاطر آرند هر تنخی شیرین گردد و هر تنم تسبیح شود و نگبین شود  
 امیدم پسانست که دعای شمایر مستجاب گردد یاران بیسعوت گردند که هر یک شمع روشن شوند  
 و گل گلشن گردند و در حدائق الهی بلبل معالی گردند و کلبا تک معنوی زنند و سبب آتش  
 نجات است در آن اقلار گردند ع ع ع سائله

بواسطه آقا مرتضای سروستانی

اجتای قدیم و جدید بزرگ و مفتو و اجتای سروستان محله شیخ یوسف جناب شهید  
 محمد حسین جناب کر بلائی باقر زائر جناب آقا بابا جناب شکر الله جناب محمد رضا  
 جناب غلامرضا جناب محمد جناب محمد نبی جناب حاجی بابا جناب حاجی حسین جناب  
 شهیدی قربانعلی جناب فتوحی جناب آقا بابا جناب باباخان جناب کلعلی جناب حاجی علی  
 جناب مصطفی بناب زین العابدین جناب قربان جناب شهیدی نادر علی جناب آقا جان  
 جناب اسمعیل جناب شریف جناب محمد ابراهیم جناب عبدالرضا جناب مرتضی جناب آقا جان

جناب نوروز جناب علیجان جناب اکبر جناب قربان جناب علیحسین جناب فتح الله جناب  
 محمد رضا جناب حسن جناب سلیمان جناب رمضان جناب علیجان جناب محمدجعفر جناب  
 فتحعلی جناب مرعلی جناب غلامعلی جناب لطفعلی جناب سیاوش جناب ابوالقاسم  
 جناب خداداد جناب موسیٰ رضا جناب حسینی جناب خداداد خادم اجتاء الله جمال جناب  
 کر بلانی شکر الله جناب محمد علی جناب علیجان جناب مرتضیٰ جناب قربانعلی جناب محمد حسن جناب  
 ملا محمد علی معلم جناب سبزعلی جناب فتح الله جناب زینل جناب ابوالقاسم جناب کاکاجان  
 جناب مرتضای زائر .

هو الله

۲۹۶

ای یاران عبدالهیا، جناب آقا مرتضیٰ نامه نگاشته و نامهای مبارک اهل بیاراد در آن درج نموده  
 چون نظر آن دقت را قیاد ملاحظه شد که ماشاء الله دفتر ما کان و یکون است قلم اعلیٰ باید که با  
 قدرت حضرت چون زعمده نگارش آن برآید و الا این کلک شکسته عبدالهیا، البته از  
 بر نیاید که بجمیع مکتوب بنگارد لندا جمیع اربابیک نامه خطاب مینمایم که ای جای الهی گویند  
 که علیین کتابیت که اسما مقربین در آن ثبتوتست و حقایق مخلصین در آن موجود پس  
 بیقین بدانید که نامهای مبارک شما در ملکوت ابی در لوح محفوظ و ورق منشور مشهورت و مسطور  
 و هر یک

خط کتابت مر و خط مبارک



و هر یک مبارک که عبودیت ملک وجود در ملکوت شود بعزت ابدیه مرزوق سایش خداوند آفرینشرا  
 که لوح محفوظ عالم امکان را و اوراق منشور اکوان را بناهای مبارک یاران مزین فرمود این تقدیر  
 ابدیست و این ثبت سردی قرون و اعصار منتفی گردد و نامهای فرخنده ابرار باقی  
 و برقرار ماند و علیکم البهاء الابی ع ع متدنه

سرستان

هو الابی

جناب خواجه بطحعلی جناب قادی جناب امیرزاده جناب آقا عبدالرزاق جناب حاجی طری  
 جناب آقا محمد علی جناب آقاسی جناب آقا احمد جناب آقا فتح الله جناب حاجی خان  
 جناب باباخان جناب آقا محمد اسمعیل جناب آقا عبدالکریم جناب آقا عبدالغفار جناب آقا عبدالله  
 جناب آقا عبدالرسول جناب آقا محمد علی جناب آقا محمد رضا جناب آقا میرزا علیخان جناب آقا میرزا عبدالباقی  
 جناب آقا عزیز الله جناب آقا علی جناب مهدی محمد تقی جناب مهدی محمد تقی جناب آقا حسن الله  
 جناب آقا میرزا قاسم جناب آقا عبدالله جناب آقا عباس علی جناب آقا صادق جناب آقا قاسم علی  
 جناب عبدالبهاء الشهیر به عوض آقا علیم بهاء الله الابی

۳۹۷

هو الابی

این بدان معنی اهل ملا، اعلی و مکان ملکوت الابی در صباح و یثاق بسکراته الطاف زبان

جناب مبارک

کشوند و در ساحت قدس سرسجده ننادند که ای پروردگار مهربان ستایش و نیایش نرسبت که بزج  
 مخصوص را مخصوص فرمودی و مرکز یثاق را مشهور آفاق نمودی آیت عهد قدیم ترا ثابت کرد  
 و رایت عظیم را بلند و مرتفع نمودی شمع روشنتر از شهاب انجمن کردی و سرو گلشن ترا اطراوت  
 و لطافت و نصارت بخشیدی ای پروردگار جاننا را بشارتی بخش و دلها را مسرتی عنایت فرما  
 البصائر و شنائی ده و بصائر را امنیاء رحمانی عنایت نما انک انت الکریم الرحیم و انک  
 انت الرحمن القدیم ع ع سائده

سروستان جناب آقا غلام رضا

هو الله

۲۹۸

ای بنده حق نامه شمار سید و پیرگاه جمال مبارک لابه و انا به گردید تا بعنایت حق بقدر امکان  
 وسعتی حاصل آید و بخدمت یاران پردازید و جناب میرزا ابوالفضل را از قبل من تجتبت  
 ابع ابی البلاغ دارید و علیک البهائم الا سب ع ع سائده

خط کاتب مر و افتخار مبارک

شیراز بوا سطره بشر الهی

سروستان

جناب حسن ابن حاجی حسین عطار علیه بهائم الله

هو الله

خط کتاب در خواستهای مبارک

ایمده حق نامه شمارید مضمون مثل بدرگاه حضرت رب الملکوت بود عبد البهاء نیز بقیة  
مقدسه جمال بی غیر و نیاز نمود و از برای تو عون و غایت و صون و حمایت ظلیید تا در کف نفع  
و ملاذ رفیع خداوندهربان از شر اهل طغیان در حفظ و امان و ثابت بر پیمان باشی نخل محمد آقا عطا الله  
را از قبل عبد البهاء تحت و ثنا برسان تا مانند غصون ریاض نسیم جنت احدیت با هم آرزایند و مثلاً  
طیور حدائق با سخاوت معانی و حقائق پردازد و علیک البهاء الابهی رع ع مسانه

بواسطه جناب میرزا محمد حسین ابن میرزا احمد علی نسیری

جناب آقا محمد حسن ابن جناب حاجی حسین سروستانی علیه بقاء الله الابهی

خط کتاب در خواستهای مبارک

ایثابت بر پیمان شکر کن خدا را که کفاس هدی زد دست ساقی بقا نوشیدی و بنهتا آمال  
آمال مقربین رسیدی چشم یگشودی و مشاهده آیات کبری فرمودی و کعبه مقصود پی بردی  
و در ظل مبارک حضرت مقصود رحمت جان و آسایش وجدان یافتی حال باید در آنصفحات بشر  
نغمات قدس پرداز و نشو سرا بلکوت وجود هدایت فرمائی بعد از حضور بقعه مبارکه داده میشود  
جناب آقا علی محمد جناب حسین جناب حاجی آقا را از قبل ابن عبد تحت ابع ابی البهاء

بانهایت اشتیاق ذکر ایشان را میبایم و علیکم البهائم ع ع

شیراز بواسطه جناب بشیر الهی

جناب حاجی خان و جناب خان بابای سروستانی علیهما بهائم الله ال

هواسته

۳۰۱

نظاره سبب مهر و پندار مبارک

ای دو بنده صادق جمال مبارک احمدته درگاه احدی ترا پاسبانید و سرآستان منجذب  
دلبر آفاقید و مفتون آنزلت شکبار ارشدت عشق با گریبانی چاک و چشمی گریان و مولی آشفته و پرت  
و آهی پنهان و داغی نمایان شاهد انجمن شدید و سرگشته و سودا و پر شور و شیدائی دلبر آسمانی گشتید  
تا بجانفشانی برخواستید و محفل مشتاقان آراستید و سرخیل عاشقان گشتید حال قوت نیست  
که از خضیض صمت و سکوت پرواز نمائید و در اطراف نغمه و آواز بلند فرمائید بهر چمنی بگذرید و در  
خوشن محازا بنغمه و آهنگ آید و علیکم البهائم ع ع

بواسطه میر عبد الکریم زائر

جناب میر تاج الدین جناب میر اسمعیل جناب میر عبد القفار جناب میر عبد الزبول  
جناب میر عبد المهری جناب آقا جلال جناب ملا محمد جعفر امه الله والده زائر  
امه الله همیشه های زائر امه الله ضلع قاصد اسمعیل امه الله ضلع قاصد القفار علیهم و یسین البهائم

هواسته

اسی یاران و اما، رحمن جناب میر عبدالکریم مسافه بعید طی نمود تا با قلیم نیا عظیم رسید احمدتہ ۱۲۰۳  
 بتعمیل آستان حضرت یزدان فائز شد و بزیارت تربت مقدسه مشرف گردید همواره بیاد یاران بود  
 و با چشمی گریان و قلبی سوزان طلب نماید بجهت اجبای رحمان نمود البتہ این عجز و نیاز مقبول در گاہ حضرت  
 بی نیاز گردید لہذا عبدالبہاء منتظر آنست کہ آثار باہرہ این تضرع و زاری و تبتل و بیستراک ظاہر و آشکار گردد  
 احمدتہ خاندان ہر شہید مجید و دودمان ہر رجل شید مسمول تضرعات رحمن و رحیمند و امید چنانست  
 کہ جمیع منتسبین شداد در ظل رایت کبری در آیند و بقتل و موہبت جمال ہی سرفراز گردند گلستان توحید را  
 گل و ریاحین کردند و بوستان تقدیر اشجاری پر شکوفہ و ثمر جدید شوند تا سبب خوشنودی شہیدان  
 و محل تحسین اہل مآ اعلیٰ گردند عبدالبہاء بیاد یاران و اما، رحمن مشغول و بذکر ایشان نالوف و بختان  
 مانوس هموارہ سرآستان نند و از حضرت یزدان عون و عنایت بیامان طلبد امروز جان و جانان  
 کل در بجا و نام مستغرقند اما بہائیان احمدتہ با چشمی بیاد گوش شنوا و دلی آگاہ و جانی ہتر  
 از بشارت کبری در ظل شجرہ مبارکہ سدرہ منتی محشورند باید بشکرند  
 این الطاف چنان رفا نمایند کہ سبب حیرت دیگران گردند  
 و علیکم و علیکن البہاء الابی ع ع سائہ

نظر  
 حضرت  
 علی  
 بن  
 ابی  
 طالب  
 علیہ  
 السلام



٢٥٧  
بواسطة جناب مير عبد الكريم زائر

سرستان اجاي التي زرقان اجاي التي مسجد برد اجاي التي شمس آباد اجاي التي شيراز اجاي  
التي آباء امت آباد كوشك چار وزير آباد درغوك علي آباد <sup>جاي التي</sup> عليهم بآاء الله الاسب

١٠١

٣٠ ٣

خط كاتب مراد محمد باي

واني يا التي قد قدرت في التبريد في ملكوت النفس والآفاق ووقفتي على المعان النظر في مراتب الوجود  
خير سطوع انوار الاشراق فاستغرقت في بحار الحيرة والذبول بما رأيت آثارا وشؤنا تدل منها العقول رب  
انتي رأيت في يوم الظهور اشتر والنشور والطامة الكبرى قائمة في كل ربيع وحدود وتغور وسمعت صوت  
المنفخ في القصور والنقر في الناقور وارتبني قيام الاموات من القبور وشاهدت امتداد القراط المدود <sup>منها</sup>  
القسط الموضوع وكشفت تائق الرياض وتدفق الحياض وتسر النيران وترزين البجان وجات  
ملائكة الرحمة وعدت بك من ربانية النار وابهرت الافق المبين وقرت عيناى بمشاهدة اجمال المنير  
وكشفت الابواب ورايت اسراب لا حزاب ثم مستغرقة في لغيفين العظيم وعصبة والته في المشا  
في يوم الدين وقوم ساج في بحر القديم وضرب منجذب مائم من جبال الشيد وفرقة خالفتني  
بحور من الاوانام ورهط غريق في بحار الاحلام واناس ذاهبة عن الادراك ساقطة في بياض الغسل  
وكلفني سائني يا التي منها المناظر الموشه والظلمات المدهوشه التي احاطت النفوس المحجبه في يوم اشرف الارض

والتماء

والسما بانوار سطعت ولاحت بها الافاق قد انظمت منهم الالباب وعميت منهم البصائر من مشادة  
 الانوار وصمت آذانهم عن نجات ملكوت الاسرار وشاقت صدورهم بسقطوا في حفرة الظنون والادام  
 ووقعوا في زاوية النسيان ربنا اني اذلل اليك ان لكشف الاسرار عن البصائر والالباب وتنفذ  
 النفوس من الغر والاستكبار وتنجي الخاضعين فيغار الظلمات رب كل عبادك وسكنة بلادك قد  
 انشئتكم بانشاك وبرئتم ببتوك واقدارك رب قد خلقتهم آيات ربوبيتك واثار الوبوتك  
 ودلائل قدرتك وبراهين قوتك فكيف تركهم ان يكونوا في بحر الاوهام وودعتهم يهيون في واد  
 المخمران وودعتهم في بادية النسيان ولم تجعل لهم خطا من الفضل والاحسان اسلك برحمتك  
 التي سبقت الاشياء ان تبيل لهم نفسيا من انوار الهدى واهد هم الى سبيل الرشاد واجعلهم ايتجا  
 في البلاد واشترهم فيبئس راية الميثاق ولا توأخذهم بما غفلوا عن ذكرك يا رب لافاق انك  
 انت الكريم انك انت العظيم انك انت الرحيم انك انت العزيز الوهاب ع ع سائبة

بواسطة جناب اقا مرتضاي زائر سروساني

جناب اقا محمد جناب اقا بابا عليهما بآواته الابهى

هو الله

۲۰۴

خطا كتب مرورا بياك

اي دو بنده درگاه كبريا جناب مرتضاي مراجعت بانسفات ينمايند وار مغالي از عبادت

میخواهند چون متوجه ملکوت ابی و ناظر بعقبه حضرت کبریا هستند و ثابت برپیمان و ناطق بنای نهشت  
 رحمان خواهش ایشان مقبول علی الخصوص در حق اند و شخص متعارج با و قبول این آیات آن اول است  
 و عصر جلیل کبر نفوس باید بر تیل آیات جلال بانوس گردند و بمشاهده ملکوت جمال مخلوط شوند صین  
 تسنیم در جریانست و جنت احدیه در نهایت ترین مشهود و عیان حکمت الهیه در نبیانت  
 و کوشش الهی در فیضان و طیور قدس در نغمه و فنون الحان پس با سر ایدار و هوشیار کنید تا از این  
 فیض بحر الجود نصیب موفور بریند و از این نغمه و آهنگ نشسته گانگن از اجما کافور یا بسند  
 و علیکما البصاء، الابی ع ع شانه

سرستان جناب میر کریم زائر علیه بھاء، الله الاسبی

۱۰۱۰

۳۰۵

ایزاز مشکین نفس رو یا تعبیرش آنست که نفوسی قصد آن نمایند تا نار الله الموقده خاموش گردد  
 از جهد و کوشش آنان نفعه عظیمتر گردد و نفوذ کلمه الله بیشتر شود حضرت مسیح سالم ماند و ماقبلوه و ما  
 صلبوه و لکن شبیه لهم واضح و مشهود گردد جمال مبارک بر سریر سلطنت آسمانی جلوس فرما  
 و سلطوت و شوکت امراته آفاق را احاطه کند و علیک البھاء، الابی

۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۸ عبد البھاء، عباس شانه

فطرات البھاء مبارک

ملاحظه نمایند

در سر و ستان

اجای الهی

هوالته

۳۰۶

خط کتابت مر و بعضا بر یک

ای یاران روحانی من وقت افول آقا بست و من بینهایت خسته و ناتوان با وجود این <sup>این درل</sup>  
 و جان چنان در هیجان و لهربانست که بی فتور تهریر این سطور پرداخت مقصود اینست که <sup>بن</sup> <sup>عالم</sup>  
 و یزدان دست تظاول بظلم و ستم گشوند و هجوم عمومی نمودند زیرا از منّت و محبت و برمان جان  
 گشتند و دست بسلاح عجزه زدند و مقصدشان اینست که بدرنگی و خوشخوارگی مانند گران  
 انعام الیبر ابدند و سراج الیبر اخاموش نمایند <sup>شعله</sup> بهرات هیسات این سبب شود که  
 شدید تر شود و شعاع بیشتر تابد و نسیم جان پرور بنست ابهی شدید تر وزد <sup>آسی</sup> لئذا باید اجای الهی  
 باستقامتی متقاومت این طوفان نمایند که عجز جاہلان ظاهر و عیان گردد در آنسان باید هر  
 ازیاران مانند عقابا و ج عزت ابدیه پرواز آید و صید مرغان پراکذره و پریشان نماید تا

جميع طيور در حقیقه رب غفور راه یافته بنعمات بدیعه ترانه آغاز نمایند و

آوازی بلند کنند که اهل فردوس در بارگاه قدس بوجد و طرب آیند

و بلبله و دلوله برافرازند و غایکم التیة و اثنا ع سنامه

بواسطه جناب یونسخان  
جناب اقا محمد علی سروستانی علیه بهاء الله

۲۰۷

۱۷۱۰

خط کاتب سروستان مبارک

ایزاز مسکین نفس آنچه جناب خان نگاشتی ملاحظه شد سخن گفتمی و در رفتی و اسجدت خان دلرا  
ارض و خاشاک غفلت و نسیان رفتی و در دبستان عشق نزد ادیب الهی درس محبت آموختی رؤیا یکده  
بودی دلیل بر آنست که بعون و غایت جمال الهی بعبودیت درگاه کبریا موفقی نوایی شد و امر الله را غنیمت  
انتشاری عجیب حاصل خواهد گشت صیت ظهور مجتبی طور جهانگیر خواهد شد و ارض غمرا، روشن  
و غیر خواهد گشت و علیک التجه و التثناء ع ع تا بده

شیراز بواسطه بشیر الهی

جناب حاجی محمد علی ابن استاد حسن فخر سروستانی علیه بهاء الله الی

۲۰۸

۱۷۱۰

ای متمسک بعد و میثاق نامه اخیر شما بجناب اقا سید اسد الله رسید و بدقت ملاحظه گردید  
از درگاه جمال ببارک طلب عفو از برای مردم محترمه شما شد که او را غریق بحر غفران فرماید و از برای اول



ماجد و والده مقربہ شائزہ الطاف بینہایت از درگاہ احدیت طلبیدم تا در دریای فضل و آسان غوطہ  
ورگردند مکتوب یاران کہ در جوف بود جواب مرقوم گردید و در طی این مکتوبت برسانید شنب و روزه  
یاد تو از خاطر نرود در این انجمن مذکور و در بین ملا اعلیٰ عالم بالا آستان مقدس جمال ابی روحی لقیئہ

ترتبه الفداء مشهوری و علیک لبہاء الابی ع ع سناہ

بواسطہ جناب آقا محمد مصطفیٰ و جناب آقا محمد علی سروسانی

عراق ابوی محرمشان علیہ بہاء اللہ ۳۰۹

ہو اللہ

ایبذہ یزدان پسر پاک گرت بادیہ پیوید تاریخ بجاک پاک آستان مقدس بود و مشام معتبر نمود  
در آن مشام لور آن زبان بجز و نیاز گشود و طلب خون و غایت از برای تو نمود این پسر از عمدہ  
شکرانہ الطاف پر بردارد حال باید پر بنایت با و مرمان گردد و لطف بیپایان مبذول دارد

و شب و روز دعا کند و طلب توفیق نماید تا پسرانند اشجار

فردوس درختی پر بار و در گردد و برگ و شکوفہ و ثمر زین شود

و در جویبار جنت ابی در نہایت تروتازگی بلوہ نماید

و یک لقیئہ و اشناہ ع ع سناہ

خط کتاب مرصفا مبارک

## سروستان بواسطه بشیر الهی

جناب حاجی محمد علی قرزائر جناب آقا بابا جناب خدا داد جناب حاجی حسین جناب مشهدی <sup>نعلی</sup>  
 جناب فتحعلی جناب ابوالقاسم جناب آقا جمال جناب علامرضا جناب مشهدی ناد علی جناب  
 حاجی علی جناب مصطفی جناب زین العابدین جناب قربانعلی جناب شکرانده جناب قاسم  
 جناب رمضان جناب علیرضا جناب ستادریح جناب قربانعلی جناب اکبر جناب عبدالرضا  
 جناب ستاد مرتضی جناب ستاد علی حسین جناب باباخان جناب علیجان جناب فتحته جناب <sup>حسنعلی</sup>  
 جناب سلیمان جناب مرعلی جناب محمد جعفر جناب فتحعلی جناب درویش عزیزانده جناب محمد ابراهیم  
 جناب ساد جناب آقا جان جناب آقا جان جناب کرمانی شکرانده فرزندان ایشان محمد علی جناب محمد تقی  
 جناب بنرعلی جناب ملا محمد علی جناب محمد حسن جناب فتحانده سلیل ایشان روح الله  
 جناب محمد علی جناب مرتضی علیم کعباء الله الاهی

۱۷۱ الله

۳۱۰

ای یاران عزیز عبد البهاء چون نام مبارک آن روحانیان تلاوت شد حالت عجیبی دست داد  
 بقول سعدی اینمطربان ز کجاست که برگفت نام دوست جان و وجدان شادمان گردید که امحمد  
 در جو پار سروستان در نهایت طراوت و لطافت سروهای روان میخرازند و میبالند و مانند مرغ

نظر کاتب معنی مبارک

سرمیناند و چون غنایب بر شاخار مغوی کلبانگ الهی میزنند انشاء الله سروستان جنت  
ابهی گردد و گلشن ملاء اعلی شود و علیکم البهائم الابی عبد البهائم عباس <sup>تعبیر</sup>

بواسطه جناب بشیر الهی

جناب استاد حسن فخر و حرم محترمه اش علیهما البهائم الابی

۳۱۱

هو الله

نظراتی است از انصاف بر بارگ

ای دو صفا مه هدم و همراز اجدت در گلشن الهی پرواز نمودید و بملکوت رازی پی بردید  
و نظر انصاف حضرت نیاز گشتید آما شامت و ملامت بد خوانان شنیدید و ازیت  
زیاد کشیدید و ستم مار ستمکار چشیدید ولی چون در بسیل رتب جلیل بود اینتر شهید بود  
و ایندرد در مان نظر بیایان حال نمائید این بلا را آنچه عطایای الهی است و این ملامت  
و شامت آتایش و نیایش و پرستش در پی عاقبت واضح و آشکار گردد و بنجل مجید قمبر علی  
تحت ابداع ابهی باغدارید آن اشعار آبدار بود و مانند آب زلال و همچنین بسیل جلیل

حاجی محمد علی رابع ضمیم و جلست رابع ضمیم و نشرت الله و ترفنی

ر با صبای روحانی نهایت مبرانی برسانید و علیکم

البهائم الابی عبد البهائم عباس



امورش بطنی است نهایت در نفسی جذ قد می طی شود و لکن روح شرق و غرب را در خطه پیمان  
ملاحظه کنید که چقدر متفاوت است باری مقصود چنین است که آن سرست پیمان پیمان در میان  
یاران الهی بجان و دل بکوشد تا همیشه التیام روحانی دوام نماید و الفت رحمانی جلوه فرماید

و علیک التّیّه و لهنّاع ع

بواسطه جناب زائر کربلائی محمد باقر

جناب آقا بابا و جناب آقا شکر الله و دو وسیل جلیل و دو جنبه محترمه و امته الله صرم

موقته ایشان علیم و علیمین بها، الله الاهی

۲۱۹

هو الله

ای مشتاقان جمال دلبر برهان معشوق عالمیان و محبوب روحانیان و مقصود ربانیان و موعود  
بیانیان چون از عراق اشراق فرمود و لوله در آفاق انداخت و پرتوی نورانی بر اخلاق زد کون برکت  
آه امکان مرتت یافت حقایق اشیاء معالی الهی جست ذرات کائنات دلبر آبی یافت شرق  
مطلع انوار شد و غرب افق اشراق گشت زمین آسمان شد و خاک تیره تا بناک گشت جلوه  
ملکوت در ملک گردید و عالم ناموت انبیا از عالم لاهوت یافت جهان جهان دیگر شد و عالم  
وجود جاتی دیگر یافت این آثار روز بروز ظاهر و آشکار شود و این انوار یوماً فیوماً بتابد و این



نغمه شکر آنا فنا بر اقطار غمبار گردد ولی افسوس که ایرانیان هنوز مانند کوران و کران بخواج غفلت  
گرفتن نور نبینند و ندانشنوند و آتپناه نیابند و هو شیاز نگردند جهدی کنید یعنی نمایند که ایران وطن  
دلبره بانست و فارس مبد، طلوع صبح تابان بلکه بهمت دوستان اهل آستان مشاهده پر تو  
مه تابان نمایند و از فیوضات ربّ الایات بهره و نصیب برند و علیکم البهائم الابهی ع ع رت

بواسطه جناب بشیر الهی

۱۱ ج ۱  
۱۳۲۸

جناب غلامرضای سروستانی علیه بهاء الله  
شیراز

هو الله

۳۱۵

ایجنده الهی نامه شمار رسید جوابی بملّا جها تریز مرقوم گردید البته خواهد رسید ولی آیا امتحان عبد البهائم  
جائز است لا والله مطلوب امتحان طالب نماید نه قاصد امتحان مقصود عبد البهائم باید گیرانرا آزمایش  
نماید تا خلوص رأی و قلب گردد مرقوم نموده بودی که سوادی از قرآن دارند پس چگونه صریح قرآن مطالعه  
نگردید جمال محمدی بخش قرآن بینداید لو کنت اعلم الغیب لاستکثرت من انخیر و مادری نادان فعل  
بی و بکم غذا با چنین نص قاطعی چگونه امتحان بمیان آید حضرت امیر علیه السلام در محل بلندی ایستاد  
بودند شخص منگری گفت یا علی مطمئن بحفظ الهی هستی فرمودند بی پس گفت خود را از آن محل مرتفع بیند  
و اعتماد بحفظ الهی نماید جواب فرمودند مرا نرسد که امتحان حتی نمایم بلکه حقرا سزاوار امتحان عبد کند

باری

خط کاتب در و خط مبارک

باری با وجود این چیزی مرتوم گردید اگر چنانچه بصبر بصیرت باز شود ادراک شود قناعت حاصل

گردد و علیک البهائم الالهی ع ع متابته

بواسطه حضرت خدیبه کلین معالی

شیراز جناب مشهدی محمد حسین سروستانی علیه بهائم الله الاهی

هوائه

۴۱۶

ای بنده حق عون و غنایت حضرت احدیت چون شامل گردد هر نقصی کامل شود  
و هر شخصی غنی و متمول چون تأیید رسد و لو انسان هر دم گنجی بخشد ثروت افزون  
گردد و غنا مانند رود همچون شود و اگر مد منتقطع شود دریا بشکند و فرات و سیحون سزا  
داشت و مامون شود پس مدارا و طلب و اتوانی اجای الییرا معاونت کن تا عون و غنایت  
حقراستمریابی و ریح و برکت مشاهده نمائی اگر ممکن است در سئله خانه با جناب محمد  
باقر اعانه نمایند و علیک التحیته و الشناء شایسته

بواسطه جناب بشیر الاهی

جناب کربلایی باقر سروستانی و آقا محمد رضا و آقا عبد الله و آقا شکر الله و آقا بابا  
و جناب آقا مرتضی و آقا حسین اسطهباناتی علیهم بهائم الله الاهی ملاحظه نمایند